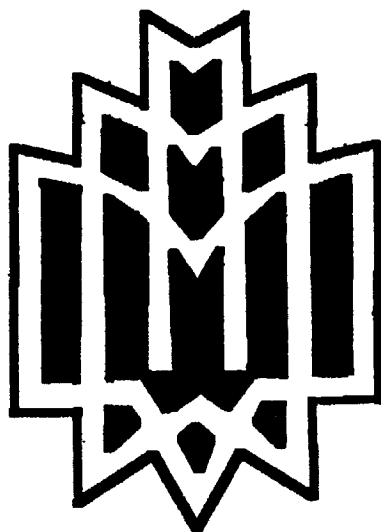
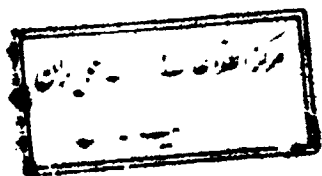


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مواجهه نیما با طبیعت

رساله کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران

استاد راهنما: دکتر محمود عابدی

استاد مشاور: دکتر محمود فتوحی

نگارنده: علی محمدی آسیابادی

5185

۲۷۲۰۵

— اشاره

سپاس خدای را که آیات خود را در زمین و آسمان گسترد و بر انسان کرامت نهاد و او را در بر و بحر برداشت. زمین را محل سکونت و آرامش انسان قرار داد و خوان نعمت خود را در آن گسترد تا روزی بندگان مهیا باشد و از خلق زیبایی‌ها در آن هیچ فروگذار نکرد تا نشانه‌هایی باشد صاحبان خرد و معرفت را.

زندگی در روستا نعمتی بود که خداوند به این بنده خود ارزانی داشت تا هم روزی خود را از قبل آن دریافت کند و هم از بدو کودکی مسحور زیبایی‌های بی پایان آن باشد و هم در مراحل رشد خود زیبایی آن را در آئینه شعر و ادب فارسی هرچه بیشتر درک کند، هرچند درک وافی آن امکان پذیر نباشد.

آشنائی ابتدائی با شعر نیما برای این بنده از دوران دبیرستان دست داد و اولین چیزی که در شعر نیما توجهم را به خود جلب کرد حضور طبیعت در شعر وی بود. خدای را سپاسگذارم که پس از گذشت چند سالی این فرصت فراهم شد تا به بررسی جنبه‌های مختلف این حضور بپردازم و حق مطلب را در حد توان خود ادا کنم.

از راهنمائی‌های بی شائبه استاد ارجمند آقای دکتر محمود عابدی که راهنمایی مرا در این پژوهش برعهده داشتند. و از بذل محبت و راهنمائی در تمام مدت تحصیل در این دانشگاه فروگذار نکردند سپاسگذارم.

از ارشادات علمی، مفید و سازنده آقای دکتر محمود فتوحی که به عنوان استاد مشاور، اینجانب را مرهون لطف و راهنمایی خویش قرار دادند تشکر می‌نمایم.

از همه استادان گرامی که در طول تحصیل اینجانب را مرهون تعلیمات خود قرار دادند و مخصوصاً از

آقای دکتر حسن انوری، آقای دکتر علی محمد سجادی، آقای دکتر محمود عابدی، آقای دکتر عباس ماهیار،
آقای دکتر کیوانی، خانم دکتر حکیمه دبیران و آقای دکتر فتوحی و آقای دکتر عرب سپاسگذارم.
از همه دوستان و آشنایان که در انجام کارهای مختلف این رساله کمک کردند به خصوص از دوست
گرامی آقای علی بهرامی تشکر می‌نمایم.
از برادرانی که در تایپ این رساله در دفتر خدمات کامپیوتری زر نقش زحمت کشیدند نیز سپاسگذارم.

« فهرست مندرجات »

عنوان

صفحه

.....	اشاره
دو	مقدمه
.....	هفت
۱	۱- نظر نیما درباره تأثیر طبیعت در شخصیت وی
۷	۲- نگرشهای گوناگون نیما به طبیعت
۹	نگرش نیما به طبیعت و تأثیر طبیعت در نگرش او
۱۱	نگرش نیما به طبیعت از نظرگاه مکاتب ادبی غرب
۱۷	طبیعت و اندیشه‌های مارکسیستی نیما
۳۴	۳- طبیعت و زبان نیما
۳۶	گزینش عناصر و واژگان زبانی
۴۲	برخورد نیما با قواعد زبان
۵۸	۴- طبیعت و بیان نیما
۶۶	کاربرد تشبیه در شعر نیما
۸۳	کاربرد استعاره در شعر نیما
۱۰۳	بیان توصیفی - تصویری
۱۰۶	بیان توصیفی محض

۱۱۴	بیان تمثیلی در شعر نیما
۱۲۰	بیان سمبولیک در شعر نیما
۱۲۸	شعرهای سمبولیک نوع اول در شعر نیما
۱۳۲	شعرهای سمبولیک نوع دوم
۱۴۱	شعرهای سمبولیک نوع سوم
۱۶۳	فرجام
۱۶۷	کتابنامه

«فهرست جداول»

صفحه	عنوان
۱۳۶	۱- جدول شماره ۴-۱، شکل ذهنی شعرهای سمبولیک نوع دوم.....
۱۵۷	۲- جدول شماره ۴-۲، شکل ذهنی شعرهای سمبولیک نوع سوم.....
۱۵۷	۳- جدول شماره ۴-۳، شکل ذهنی شعرهای سمبولیک نوع دوم.....
۱۵۸	۴- جدول شماره ۴-۴، شکل ذهنی در شعرهای سمبولیک نوع دوم و سوم در سطح عینی.....
۱۵۹	۵- جدول شماره ۴-۵، شکل ذهنی شعرهای سمبولیک نوع دوم و سوم در سطح ذهنی.....
۱۶۱	۶- جدول شماره ۴-۶، تعداد و نسبت شعرهای مختلف نیما.....

مقدمه

انقلابی که نیما در شعر فارسی بوجود آورد دارای ابعاد گسترده‌ای است که شناخت و معرفی آن بدون بررسی این جنبه‌های مختلف امکان پذیر نیست. یکی از این ابعاد مواجهه‌وی با طبیعت است که بدون درک و دریافت آن هرگونه ادعایی مبنی بر شناخت شعر نیما و حتی شخصیت او نمی‌تواند صحت واقعی داشته باشد.

متأسفانه بحث بر سر «بدعت‌ها و بدایع» محسوس‌تر شعر نیما هرگز مجال پرداختن به ابعاد دیگر شعر او را نداده است و نقدهای مطبوعاتی و روزنامه‌ای که همیشه در پی چنین بدعت‌هایی بوجود می‌آیند، نه تنها از اعتبار علمی لازم برخوردار نیستند بلکه حتی توجه جامعه را تنها به بعضی از ابعاد موضوع معطوف می‌کنند و باعث غفلت از ابعاد دیگر آن می‌شوند. حب و بغض‌ها و گرایش‌ها و موضع‌گیری‌های مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی انگیزه اصلی نقدهای مطبوعاتی را تشکیل می‌دهد و بدیهی است که چنین نقدهایی تاریخ مصرف دارند و وقتی تاریخ آنها منقضی شد ارزش آنها نیز لااقل در ارتباط با موضوع منتفی می‌گردد.

آثاری که مهدی اخوان ثالث و جلال آل احمد و بسیاری دیگر درباره شعر نیما می‌نوشتند در واقع پاسخی بود به مخالفان شعر نیما و تنها می‌توانست شامل موضوعاتی بشود که در آن زمان با توجه به شرایط مختلف مطبوعات و موضع‌گیری مطبوعاتی‌ها مطرح می‌شد.

موضوع مواجهه‌نیما با طبیعت از موضوعاتی است که حتی در چهارچوب همان نقدهای روزنامه‌ای هم بدان توجه جدی نشده است. درباره این موضوع به طور جسته گریخته مطالبی نوشته شده ولی

هیچکدام مبتنی بر تحقیق علمی و مطالعه دقیق نبوده، هرچند بخشی از همین برداشتهای شخصی تا اندازه‌ای مقرون به صحت می‌باشد اما سند و مدرکی که ادعای نویسنده را اثبات کند ارائه نشده است. از جمله مقالاتی که در آن به این موضوع توجه شده مقاله‌ای تحت عنوان «نوگرایی و حقیقت خاکی»^۱ نوشته خسرو گل‌سرخ‌ی است که مطالب ارزنده‌ای در آن مندرج است اما مبتنی بر شواهد و دلایل کافی نیست.

نویسنده در این تحقیق کوشیده است تا در حد توان خود به بررسی این موضوع بپردازد و ابعاد مختلف آنرا با توجه به نوشته‌ها، نامه‌ها و سروده‌های نیما مورد بررسی قرار دهد. برای اینکار دامن‌بندی اساسی را در نظر گرفته و با توجه به آنها به تبیین این موضوع پرداخته است.

مهمترین منبعی که برای بررسی این موضوع مورد استفاده قرار گرفته کتاب «نامه‌های نیما» است که توسط فرزند نیما، شراگیم یوشیچ از مجموعه آثار نیما یوشیچ نسخه برداری شده و انتشارات نگاه آنرا منتشر کرده است.

با اینکه نامه‌های نیما توسط سیروس طاهباز نیز جمع‌آوری شده است، انتساب نسبی نسخه بردار این کتاب به نیما و جدیدتر بودن آن دلیلی برای انتخاب این منبع بود.

در این کتاب نامه‌هایی که نیما به افراد مختلف نوشته است جمع‌آوری شده و کمتر نامه‌ای یافت می‌شود که نیما از خود، اندیشه‌های خود و روند شعری خود حرفی به میان نیاورده باشد. شخصی بودن این نامه‌ها باعث اعتبار بیشتر آنها می‌شود، زیرا نیما مجبور نبوده است که در اینگونه نامه‌ها مصالح اجتماعی را در نظر بگیرد و واقعیت را فدای مصلحت بکند. از این گذشته او می‌توانست در این گونه نامه‌ها بدون هرگونه نگرانی درباره خود و اشعار خود سخن بگوید، کاری که در آثار دیگر او به راحتی امکان پذیر نبود یا بیم از آن که حمل بر خودستایی شود وجود داشت؛

مخاطبان اکثر این نامه‌ها خویشاوندان و دوستان نزدیک نیما هستند که شناخت بعضی از آنها می‌تواند کمک مفیدی برای شناخت خود نیما و اندیشه‌های اجتماعی او باشد. از چهره‌های سرشناسی که نیما بدانها نامه نوشته می‌توان «پرویز ناتل خانلری»، «ذبیح‌اح... صفا»، «صادق هدایت»، «تقی ارانی»،

۱- ر.ک دستی میان دشنه و دل، مجموعه نوشته‌های پراکنده خسرو گل‌سرخ‌ی، به کوشش کاوه گوهرین، دفتر اول ص ۱۰۱ - ۸۱

«میرزاده عشقی»، «علی دشتی»، «نظام وفا»، «فریدون توللی»، «احمد شاملو»، «جلال آل احمد» و «نصرت رحمانی» را نام برد.

اولین نامه این مجموعه متعلق به تاریخ ۴ اسد ۱۳۰۰ است که به مادرش نوشته و آخرین نامه متعلق به تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۳۸ است که به پسرش شراگیم نوشته است.

دومین منبع برای تبیین مواجهه نیما با طبیعت کتاب «مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج» تدوین «سیروس طاهباز» است که انتشارات نگاه آنرا منتشر کرده است.

این کتاب شامل شش بخش می‌شود ۱- اشعار اصلی نیما که برحسب تاریخ نگارش آنها درج شده و اولین شعر آن «قصه رنگ پریده خون سرد» متعلق به تاریخ حوت ۱۲۹۹ می‌باشد و آخرین شعر آن «شب همه شب» متعلق به تاریخ آبان ۱۳۳۷ است. ۲- رباعیات نیما که در سنوات مختلف سروده شده و فاقد تاریخند ۳- غزلیات که شامل پنج غزل می‌شود که تاریخ اولین و آخرین غزل ۱۳۱۷ می‌باشد ۴- قطعات که شامل ۲۱ قطعه می‌شود ۵- قصائد که شامل ۴ قصیده می‌شود ۶- «روجا» که شامل شعرهای طبری نیما می‌شود.

سومین منبعی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت کتاب ارزشمند «خانه‌ام ابری است» نوشته آقای دکتر پورنامداریان که توسط انتشارات سروش چاپ و منتشر شده است. در این کتاب از آن جهت که اشعار نیما برحسب سیر و روند شعری او از سنت تا تجدد تفکیک شده است. کار بررسی اشعار نیما آسانتر و دقیق‌تر می‌شود.

از این سه منبع گذشته، سایر منابع به این تحقیق کمکی نکرد و حتی در زمینه‌های جنبی این تحقیق نیز اثر بخش نبود. بعضی از منابع که مربوط به شعر نیما نمی‌شد، مفید واقع شدند و توانستم حداقل اصطلاحاتی را از آنها اخذ نمایم من جمله کتاب «طلا در مس» نوشته «رضابراهنی» که اصطلاح «شکل ذهنی» را از آن اخذ کردم و با مقداری مسامحه آنرا در معنی «ساختار تصویری شعر که شامل تشبیه، استعاره، کنایه، سمبول و غیره می‌شود» بکار بردم.

از کتاب «سیر بی‌سلوک» نوشته «دکتر بهاء‌الدین خرمشاهی» اصطلاح «کج تابی‌های زبان» را اخذ کردم که به معنی «خاصیت و ویژگی‌های کلمات و ترکیب آنها در بعضی موارد که منجر به سوء تفاهم

می‌شود» است.

در موارد دیگری که از کتابی به عنوان منبع استفاده کرده‌ام، نام و مشخصات آنرا در یادداشت‌های همان صفحه ذکر نموده‌ام.

عنوان و موضوع این تحقیق «مواجههٔ نیما با طبیعت» است و این عنوان را از گفتهٔ خود نیما در نامه‌ای که به تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۱۰ به برادرش نوشته است، گرفته‌ام:

«دنبالهٔ مجادلات برخواهد گشت به طرف طبیعت! ادبیات آتیه هم، اگرچه از روی قیاس نمی‌توان تعیین کرد بلکه فکر در خصوص آن مولود وضعیات باید بوده باشد، ولی تا اندازه‌ای ممکن است تخمین زد که دارای یک جنبهٔ عمومی و مملو از احساساتی خواهد بود که ناشی از مواجههٔ انسان با طبیعت است»^۱

این تحقیق شامل چهار بخش است:

- ۱- طبیعت و شخصیت نیما، در این بخش به تأثیری که طبیعت در پرورش استعدادها و شکل‌گیری شخصیت نیما داشته است پرداخته شده و سعی شده با استناد به نامه‌ها و شعرهای او، اقرار خود نیما در این مورد دلیل قرار گیرد.
 - ۲- طبیعت و اندیشهٔ نیما، در این بخش هم به تأثیری که طبیعت در نحوهٔ نگرش نیما داشته است پرداخته و هم به نحوهٔ نگرش او نسبت به طبیعت توجه شده است هم به ارتباط بین انسان و طبیعت از نظر او پرداخته‌ام.
 - ۳- طبیعت و زبان نیما، در این بخش از دو جهت به موضوع طبیعت در شعر نیما پرداخته‌ام یکی از جهت واژگان زبانی که بر عنصری از عناصر طبیعت دلالت می‌کند و دیگر از جهت ارتباط اندیشه‌های طبیعت‌گرایانهٔ نیما با ساختار نحوی که در زبان شعر اوست.
- از جهت واژگان زبانی به نمونه برداری از واژگان پرداخته و واژگان محلی که نیما در شعرهای فارسی خود بکار برده را جدا کرده و نسبت واژگانی را که بر عناصر طبیعت دلالت می‌کند

نسبت به سایر واژه‌ها مشخص کرده‌ام.

از جهت ارتباط اندیشه‌های طبیعت‌گرایانه و حضور طبیعت در شعر نیما با ساختار نحوی شعر او به بررسی سیر قاعده‌گریزی زبانی نیما برحسب تحقیق آقای دکتر پورنامداریان و رابطه آن با سیر و حجم حضور طبیعت در اشعار او پرداخته و نظر خود را با توجه به اظهارات پراکنده نیما مطرح کرده‌ام.

۴- طبیعت و بیان نیما، در این بخش رابطه بین عناصر طبیعت و شگردهای بیانی نیما را بررسی نموده و روشهای نیما را برای وصف طبیعت و استفاده وی را از عناصر طبیعت برای بیان اندیشه‌های ذهنی و انتزاعی او مطرح کرده‌ام.

کاربرد تشبیه و استعاره در دیوان نیما همراه با نقل موارد کاربرد آنها و علت قلت و محدودیت آن در وصف طبیعت قسمتی از این بخش را تشکیل می‌دهد.

در این بخش شگردهای بیانی نیما در وصف طبیعت در چهار قسم تفکیک شده است ۱- بیان توصیفی - تصویری ۲- بیان توصیفی محض ۳- بیان تمثیلی ۴- بیان سمبولیک در شعر نیما، سپس از هر قسم نمونه یا نمونه‌هایی نقل و تحلیل شده است و مشخصه‌های هر قسم به طور جداگانه بررسی شده است قبل یا بعد از بررسی هر قسم عنوان شعرهایی که نیما با آن روش سروده است، ذکر شده.

شعرهای سمبولیک نیما خود به سه نوع تقسیم شده و هر نوع جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و عنوان شعرهایی که نیما در آن شعر سمبولیک سروده است ذکر شده است.

شکل ذهنی هریک از این سه نوع به طور جداگانه چه در سطح عینی شعر و چه در سطح ذهنی شعر مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات لازم برای سهولت انتقال در جدول‌هایی جداگانه ارائه شده و سپس آنها با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

بی شک لغزشها و کاستی‌های زیادی در این نوشتار وجود دارد که اساتید و صاحب نظران در عین

اینکه این حقیر را از معایب کار خود آگاه می‌کنند بزرگواران از آن چشم می‌پوشند.



۱- نظر نیما درباره تاثیر طبیعت در شخصیت وی

هنری الکساندر ماری، روانشناس آمریکائی در کتاب «شخصیت در طبیعت، اجتماع و فرهنگ» می‌گوید: «هر کس موجودی است که جزء محیط طبیعی و اجتماعی و فرهنگی معینی قرار دارد. نمی‌توان او را مجزا از محلی که در آن زندگی می‌کند، یا از فرهنگ گروهی که خود عضو آن است، یا از نقشی که در ساختمان آن گروه بر عهده دارد در نظر آورد و شناخت. اصولاً هر کسی یک فرد اجتماعی است یعنی جزء دستگاهی (سیستمی) از اعمال متقابل بشری است»^۱.

نیما شاعری آگاه بود که همچون بسیاری از شاعران گذشته فارسی از پیشرفت علوم و فنون در زمان خود آگاه بود و بسیاری از وقت خود را صرف مطالعه کتب متعدد کرده بود.

روانشناسی و علوم تربیتی از جمله علمی بود که در زمان زندگی نیما رو به رشد و توسعه گذاشته بود و مکاتب و نظریه‌های متعدد روانشناسی با دستاوردهای علمی یا نظری هر روز نحوه نگرش انسان را نسبت به خود عوض می‌کرد و بسیاری از عقاید بی‌اساس و خرافی قدیم جای خود را به بینش‌های علمی جدید می‌داد، این دستاوردهای علمی، انسان را مجهز به ره‌یافته‌هایی می‌کرد که برای شکوفائی استعدادها و توانائیهای بالقوه او می‌توانست تأثیر شگفت‌انگیزی داشته‌باشد. فردی مثل نیما که با زبان فرانسه آشنایی کامل داشت، بهتر و زودتر می‌توانست از نتایج این دستاوردها مطلع شود. اگر نبوغ ادبی او را حاصل این

۱ - شلدن روانشناس آمریکایی معاصر، شخصیت را اینطور تعریف می‌کند. «شخصیت سازمان پویای جنبه‌های ادراکی و انفعالی و ارادی و بدنی فرد آدمی است.» (نظریه‌های شخصیت، دکتر علی‌اکبر سیاسی ص ۷)

فرایند ندانیم در نامه‌ها و نوشته‌های او قرائن واضح و روشنی وجود دارد که حاکی از آشنایی او با دستاوردهای مختلف علمی است.

نیما به خوبی به این حقیقت پی برده بود که انسان تا اندازه زیادی محصول شرایط و محیط است و همانگونه که شعرایی چون فردوسی، نظامی، مولوی، حافظ و غیره نسبت به مسائل و موضوعات زمان خود، آگاهی و دانش کافی داشتند، شاعر امروز نیز باید با مسائل و موضوعات زمان خود آشنا باشد وگرنه هیچ امیدی نیست که بتواند در زمان خود فایده‌ای ببخشد.

از جهت دیگر نیما می‌دانست که پرورش و شکوفائی هر استعدادی نیاز به محیط و شرائط مطلوب

دارد. به همین جهت به طور آگاهانه شیوه زندگی خود را آنگونه که بایسته شکوفائی استعدادهای اوست برگزید.

بسیاری از روانشناسان معتقدند که شخصیت هر فردی تا قبل از پنج سالگی شکل می‌گیرد و مهمترین عامل این شکل‌گیری را محیط و وراثت می‌دانند، شاید اگر نیما منطقه کوهستانی جنگلی شمال را برای زندگی و پرورش استعدادهای خود بر نمی‌گزید نمی‌توانست خلاقیت خود را بروز دهد. وی حتی در تمام دورانی که در تهران به سر می‌برد یوش را فراموش نمی‌کرد و برای سرکشی به آنجا می‌رفت و هر فرصتی که بدست می‌آورد را برای رفتن به یوش غنیمت می‌شمرد. نامه‌ها و اشعار بسیاری از او حاکی از این علاقه شدید به محیط طبیعی یوش است. اما این علاقه را درباره نیما نباید صرفاً امری عاطفی و ناخودآگاه به حساب آورد، در نامه‌های او قرائنی هست که نشان می‌دهد نیما به تأثیر چنین محیطی در پرورش استعداد شاعرانه‌اش آگاه بوده و رفتن به آنجا را صرفاً برای تفریح یا یادآوری خاطرات گذشته و دوران کودکی در نظر نگرفته است. او می‌دانست محیطی که در نحوه تربیت او بیشترین تأثیر را داشته است اکنون می‌تواند در پرورش استعداد شاعری‌اش تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشد.

« ببینید من خودم با کوه و جنگل به سر برده‌ام زندگانی من اساساً مثل

زندگانی یک ناحیه‌ای بوده است که هر چه می‌دیدم کوه و جنگل

بوده است، اما چقدر هم لازم است تربیتی که انسان را برای استفاده از

چیزهای خوب طبیعت، آماده‌تر کند، یعنی به او احساسات دقیق داده باشد

در هر چیزهایی که پیش از این دقیق نمی‌شده است دقیق شود.^۱

از همین چند جمله می‌توان به تأثیری که طبیعت در پرورش و ایجاد شخصیت نیما داشته‌است پی برد و همچنین تأثیری که در شکوفائی استعداد شاعری او داشته‌است در جمله آخر نمودار است. نیما در دهکده یوش واقع در نور مازندران به دنیا آمد، نیما دهکده یوش و محل تولدش را این طور توصیف می‌کند:

«یوش وطن من است، من وطنم را دوست دارم. برای اینکه طبیعت آنرا

خراب می‌کند، نه سستی و بی‌استقلالی.

کوه نشین‌ها خانه‌هایشان حکم لانه گنجشک را دارد. ممکن است هر سال تجدید شود. عیبی که هست پدر بزرگ من برای من قصر و قلعه ساخته است نه خانه. باروهای بلند، دیوارهای منقش، سقف‌های

منبت‌کاری شده...»^۲

علاقه نیما به یوش تا اندازه‌ای است که آن را وطن خود می‌داند و می‌گوید:

«کلمه وطن را من همه وقت برای همین نقطه استعمال کرده‌ام چه در شعر چه در هر چه نوشته‌ام.»^۳

و دلیل این علاقه را این می‌داند که:

«اهل آنجا بودن، بعلاوه ماده انسان طبیعتاً مستعد برای هر نوع استفاده از طبیعت است. انسان کم از کبک و بز کوهی نیست. کبک و بز کوهی هم سبزه و آب روان و هوای صاف کوهها را دوست دارند.»^۴

پس می‌بینیم که وطن دوستی نیما تا اندازه زیادی تا آنجا که به یوش مربوط می‌شود، در ارتباط با علاقه او به طبیعت است.

بر روی هم می‌توان اهم تأثیراتی را که طبیعت در پرورش شخصیت نیما داشته و در گفته‌های خود او

۱ - آستارا ۱۰ آذر ۱۳۱۰، مجموعه نامه‌ها ص ۳۵۵

۲ - یاداشتی به تاریخ مرداد ماه ۱۳۰۷ به نقل از زندگی و هنر نیما یوشیج پر درد کوهستان.

۳ و ۴ - نامه‌های نیما ص ۳۸۶